

پنجاه و پنج غزل عاشقانه

www.ketab.ir

مصطفی ثامنی



www.ketab.ir

سرشناسه: ثامنی، مصطفی - ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور: پنجاه و پنج غزل عاشقانه / مصطفی ثامنی
مشخصات نشر: تهران / ایجاز / ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۶۶ ص.
شابک: ۲- ۸۹- ۷۶۷۹- ۶۲۲- ۹۷۸
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: PIR ۸۳۳۷ / ۱۴۰۰
رده بندی دیویی: ۸۱/۶۲ فا
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۰۴۲۰۴

پنجاه و پنج غزل عاشقانه

مصطفی ثامن

طراحی جلد: گروه طراحان ۴میخ

چاپ اول: اسفند ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۶۷۹ - ۸۹ - ۲

صندوق پستی ناشر: ۹۷۳ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - ۶۶۹۰۹۸۴۷

تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

آدرس: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی

کوچه مهدی زاده، پلاک ۴ واحد ۱۰

www.ejazzbooks.ir

ejazzbooks@gmail.com

[instagram:ejazzbooks](https://www.instagram.com/ejazzbooks)

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

- ۱ / سر تسلیم آوردم که هرچه امر فرماید / ۱۱
- ۲ / با خودت گفתי کمی هم بی‌قراری می‌کنم / ۱۲
- ۳ / گمان کردی که دل کندن برای عاشق آسان است؟ / ۱۳
- ۴ / سرزمینات را به دست اجنبی بخشیده‌ای / ۱۴
- ۵ / من برای دست‌هایت دستبند آورده‌ام / ۱۵
- ۶ / حیف از این عمری که رفت و دیر فهمیدم چه بود / ۱۶
- ۷ / توبه کردم تا که بعد از این نیایم سوی تو / ۱۷
- ۸ / اشک در چشمان ما و خون به دل‌ها کرده‌ای / ۱۸
- ۹ / «دوستت دارم»، تو می‌دانی ولی ناراحتی / ۱۹
- ۱۰ / گفته بودی: صلح، آتش‌بس - ولی زیر لب زدی / ۲۰
- ۱۱ / ما به انگور دو چشمان تو سرمست شدیم / ۲۱
- ۱۲ / دو قدم مانده به آغوش تو، داروغه رسید / ۲۲
- ۱۳ / با خودم گفتم که او روزی پشیمان می‌شود / ۲۳
- ۱۴ / استکان چای، داغ از گرمی لب‌های توست / ۲۴
- ۱۵ / بُردی آب از روی ما، حالا دلت آرام شد؟ / ۲۵
- ۱۶ / چرا باور نکردم حرف‌های اهل دنیا را؟ / ۲۶
- ۱۷ / به تو اصلاً نمی‌آید چنین نامهربان باشی / ۲۷
- ۱۸ / رازهایم را نمی‌گویم از این پس با کسی / ۲۸
- ۱۹ / آمدی و بی‌قرارم کرده‌ای و... رفته‌ای / ۲۹

- ۲۰ / زخم‌ها بسیار خورد اما دلش نشکسته است / ۳۰
- ۲۱ / رؤیت ماه رخات، بر غیر ما باشد حرام / ۳۱
- ۲۲ / ما حکایت‌های خونین تو از بر بوده‌ایم / ۳۲
- ۲۳ / صبر کردم که بیایی، بدهی سهم مرا / ۳۳
- ۲۴ / من انتخاب تو بودم، تو انتخاب دلم / ۳۴
- ۲۵ / کشتی بی‌بادبان آیا به ساحل می‌رسد؟ / ۳۵
- ۲۶ / سرزده آمدی و سرزندی هیچ به ما / ۳۶
- ۲۷ / به سویت آمدم، آهسته و با خنده‌ای بر لب / ۳۷
- ۲۸ / باغ انگار که محکوم به زیبا شدن است / ۳۸
- ۲۹ / می‌روم، پشت سرم گریه‌نکن اشک نریز / ۳۹
- ۳۰ / هرچه از ظلم تو گفتیم، نشد کم به خدا / ۴۰
- ۳۱ / گفتم که آه از دست تو، دردت که بر جان و این است / ۴۱
- ۳۲ / یا نخور می، یا اگر هم می‌خوری کمتر فقط / ۴۲
- ۳۳ / بید مجنون زلف‌هایش را به دست باد داد / ۴۳
- ۳۴ / چون عذابی ناگهانی بر سرم نازل شدی / ۴۴
- ۳۵ / زل زدی در چشم‌هایم، گفته‌ای بی‌منطقم / ۴۵
- ۳۶ / چشم‌های رشت بارید و دلم در گل نشست / ۴۶
- ۳۷ / هر جا که هم صحبت کنی پیدا، بهشت است / ۴۷